وقف نامهٔ مدرسهٔ چهارباغ اصفهان



محمّد نادر نصیری مقدّم

یکی از بناهای پرشکوه اسلامی که در اواخر عصر صفوی یعنی در عهد حکومت شاه سلطان حسین (۱۱۳۵ ـ ۱۱۰۵ هـ . ق) ایجاد شده است، مدرسهٔ چهارباغ یا مدرسهٔ سلطانی است.[۱] این بنا که در مشرق خیابان چهارباغ واقع شده است و با سردری فوق العاده مجلل، صحن، گنبد، مناره، مسجد و حجرات زیبا از لحاظ هنر کاشیکاری و ظرافت معماری از نفایس اصفهان به شمار می رود، بین سالهای ۱۱۱۲ تا ۱۱۲۸ هـ . ق ساخته شده است. مساحت ساختمان و صحن مدرسه قریب ۸۵۰۰ متر مربع و طول صحن از مشرق به مغرب ۵/ ۶۵ و عرض آن از شمال به جنوب ۵/ ۵۵ متر است.[۲]

ساختمان مدرسه مانند اغلب مدارس قدیمی دو طبقه است و دور تا دور طبقهٔ فوقانی و تحتانی، حجرات طلبه نشین قرار گرفته است. در چهار طرف مدرسه همچنین چهار ایوان طراحی شده که به گفتهٔ صاحب کتاب *نصف جهان فی تعریف الاصفهان* این چهار ایوان «همه مسجد آن مدرسه است.»[۳] لیکن مجموعهٔ این بنای پرشکوه به نام مدرسهٔ چهارباغ شهرت دارد.

۱ـ نام این مدرسه امروزه به مدرسهٔ امام صادق (ع) تغییر یافته است.

۲ـ مجتبی ایمانیه: *تاریخ فرهنگ اصفهان*، اصفهان، دانشگاه، ۱۳۵۵، ص ۱۳۲.

۳ـ محمد مهدی بن محمدرضا الاصفهانی: *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، به تصحیح و تحشیهٔ منوچهر ستوده، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۶۹.

در طرف شمال مدرسه بازارچه ای که نمونه ای از بازارهای آباد دوران صفویه است و در سمت شرق، کاروانسرای بزرگی که به نام سرای فتحیه[۴] مشهـور است، قرار دارد و این هـر دو یعنی سرا و بازارچه را مادر شاه سلطان حسین وقف بر مدرسه کرده است که عایـدات آنها به اضافهٔ عایدات سایـر موقوفات مـدرسه نظیر مزرعـهٔ بـاغ ملك در چهار محـال و احمدآبـاد کاشان خرج مدرسه شود.[۵]

شـاه سلطـان حسین نیـز در سـال ۱۱۱۸ هــ. ق کـه سـاختمـان آجری مـدرسـه مشرف بـر تمام شـدن بـود، طی وقفنامـه ای ـ کـه متن کامل آن در مقالهٔ حاضـر آمده است ـ تمـامی زمین مدرسـه، گنبد، ایـوان و شبستان متصل بـه آن و ایوان جنوبی و صفّهٔ مغربی قرینهٔ در را به صیغهٔ مسجد، وقف کافهٔ شیعیـان اثنی عشریه کرد و حجره های تحتـانی و فوقانی را وقف بـر طالبـان علـوم دینیه اثنـی عشری صحیح الاعتقـاد نمـود. همچنین عـرصـه هـا، حـوضهـا، چـاه، مطبخ و بـاقی عمارات مدرسه وقف طالب علمان و نمازکنندگان در مسجد و سایر صادرین و واردین گردید.

نسخهٔ اصل وقفنامهٔ مزبـور اکنون به شمارهٔ ۸۵۴۹ در موزهٔ ایران باستان موجود است[۶] و استاد محمـد تقی دانش پژوه در جلـد دوم نشـریـهٔ نسخه هـای خطی طی فهرستی کـه از *نسخه هـای خطی* مـوزهٔ ایـران بـاستـان ارائه داده انـد، در خصوص این وقفنامه چنین نگاشته اند:

وقفنـامهٔ شمـارهٔ ۸۵۴۹، رقاع بـا قلم میرزا احمـد نیریزی مورخ ۱۱۲۹، بـا گواهی به این مطلب در ص ع [منظور صفحهٔ عنوان] با سرلوح و حاشیه سازی و جدول و ستون بندی به زر و لاجورد و شنگرف. عنوان زرین، کاغذ فـرنگی، جلد تیماج سرخ بـا آستر چرمی سبز، ۴۸ گ در ۱۲۵۹ در کتـابخانهٔ بهمن میـرزا پسر عباس میـرزا بـوده است. دربـارهٔ وقف ابـوالمظفـر ابـوالمنصـور شاه سلطـان حسین مـوسـوی حسینی صفوی بهادرخان است زمین مسجد و مدرسهٔ پهلوی چهارباغ شهر سپاهان را که نزدیك به نُه جریب است بـا تولیت پـادشـاه وقت و مورخ ۱۵ رجب ۱۱۱۸ بـا گـواهی محمـد مؤمن وزیر دیـوان و جمـال الـدین محمـد خوانسـاری و محمـد بـاقـر پسر اسمـاعیل حسینی خاتون آبادی مدرس همین مدرسهٔ سلطانی و محمد باقر حسینی و محمد زمان حسنی حسینی.[۷]

همان طور کـه استاد دانش پژوه اشاره کـرده اند که در صفحهٔ عنـوان وقفنامـه تـوضیحی وجود دارد کـه متن کـامل آن چنین است:

«رسـالهٔ خـط میرزا احمـد بـه تاریـخ سنهٔ هـزار و دویست و پنجاه و نه، داخل کتابخـانهٔ نواب شاهزادهٔ کامیاب بهمن میرزا بهین خلف ولیعهد مغفـور مبرور عباس میرزا گردید. فی شهر شعبان سنهٔ ۱۲۵۹»

«این وقفنامه را نواب مستطـاب محمد رحیم میرزا ولد مـرحوم مغفور شاهـزاده به رسم یادگاری بـه بنده مرحمت نمودند. چندی هم به عاریت نزد من خواهد بود.

فی شهر رجب ۱۳۱۵، جعفرقلی»

[سجع مهر]: یگانه گوهر دریای خسروی بهمن

به روی دو صفحهٔ نخست وقفنامه همچنین سه سجع مهر بـه این شرح وجـود دارد که متعلـق به شهـود وقفنامـه است، وجود این مهرهاحاکی از آن است که وقفنامه سواد نبوده بلکه نسخهٔ اصل است.

ـ المتوکل علی الله الملك الغنی، عبـده محمد بـاقر بن سیـدحسن الحسینی ۱۱۰۶.

ـ نصرمن الله و فتح قریب، عبده سید مرتضی حسینی ۱۱۱۸.

ـ لااله الاالله الملك الحق المبین، عبده فتح علی ۱۱۲۴.

سجع مهـر نخست متعلق بـه محمـدباقـر حسینی صـدر خاصـهٔ شاه سلطان حسین صفوی اسـت که به عنوان شـاهد چهارم، صحت وقفنامه را تأییـد و مهر کرده است. سجع مهر دوم مربوط بـه سید مرتضی حسینی دامـاد شـاه سلطـان حسین صفوی است. وی فرزند میرسیـدعلی خلیفه سلطانی مرعشی و نـوادهٔ میـرزا سیـدحسین سلطان العلمـاء دانشمنـد و وزیـر مشهـور روزگـار شاه عبـاس دوم (۱۰۷۷ ـ ۱۰۵۲ هـ. ق) است.[۸] سیـد مرتضی همچنین پـدر ابوتـراب میرزا است کـه کریم خان زند او را در رجب ۱۱۶۳ با نام شاه اسماعیل سوم پادشاه خواند و پایان کار وی در *مجمع التواریخ* مرعشی آمده است.[۹]

سیـد مرتضی حسینی در اواخـر عهـد شاه سلطـان حسین «صدر» شد و چنـان کـه پیـداست تـا چنـد سـال از دورهٔ طهماسب دوم را نیز در این مقام بوده است. مهـر و توقیع او در سجلات برخی از وقفنامه هـای شاه سلطـان حسین دیده می شود.[۱۰]

مهـر سوم بـا نقش «فتح علی» بـه نظر می رسد متعلق بـه فتحعلی خـان داغستـانی اعتمادالـدولهٔ شاه سلطـان حسین باشد. وی که از رجال نامی دربـار آخرین پادشاه صفوی بوده است و عاقبت به واسطهٔ تـوطئه و دسایس دشمنان در ۱۱۳۲ هـ. ق از صدارت عظمی برکنـار و کور گردیـده، شهادت و سجع مهرش در حاشیه وقفنامهٔ دیگر عهد شاه سلطان حسین که به شمـارهٔ ۸۵۵۰ در موزهٔ ایران باستـان نگهداری می شود نیز موجود است.[۱۱] همچنین با دقت و توجه به تاریخ سجع مهر فتحعلی خان می توان دریـافت که وی شش سال بعد از نگارش وقفنامهٔ حاضر آن را مهر کرده است.

نکتهٔ دیگری کـه ذکر آن در پایان این مقدمـهٔ مختصر حائز اهمیت است، کتابت وقفنامه بـه قلم احمد نیریزی است. وی که شـرح حال و آثارش بـه طور مفصل در جلد چهارم کتاب *احوال و آثار* خوشنویسان آمده،[۱۲] از بزرگترین نسخ نویسان اواخر عهد صفـوی بوده است؛ و این خود شـاید ارزش هنری خاصی را برای وقفنامه ایجـاد کند که امید است ارائهٔ آن مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.[۱۳]

۴ـ کـاروانسرای فتحیـه را امروزه مهمانسرای عباسی گویند.

۵ـ مجتبی ایمـانیه، پیشین، ص ۱۳۶.

۶ـ بـرای تهیـهٔ مقالـهٔ حـاضـر از میکروفیلم وقفنـامه که بـه شمارهٔ ۱۷۲۹ در دانشگاه تهران موجود می باشد استفاده شده است.

۷ـ محمـدتقی دانش پـژوه: فهـرست نسخـه هـای خطی کتـابخانـهٔ مـوزهٔ ایـران باستـان، مقاله ای در نشـریهٔ *نسخه های خطی*، جلد دوم (تهران: دانشگاه تهـران، ۱۳۴۰)، ص ۲۱۸ ـ ۲۱۷.

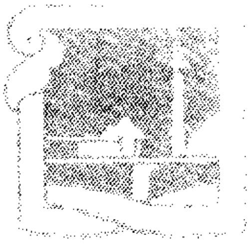
۸ـ محمدخلیل مرعشی صفوی: مجمع *التواریخ*، بـه تصحیح و اهتمام عباس اقبـال، تهران، ب. ن، ۱۳۲۸، ص ۹۳.

۹ـ همان، ص ۱۴۴ به بعد.

۱۰ـ عبـدالحسین سپنتـا: *تـاریخچـهٔ اوقـاف اصفهـان*، اصفهـان، اوقـاف، ۱۳۴۶، ص ۲۹۴.

۱۱ـ محمـدتقی دانـش پـژوه، پیشین، ص ۲۱۸.

۱۲ـ مهدی بیانی: *احوال و آثار خوشنویسان*، جلـد چهـارم، تهـران، علمی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۴۱ ـ ۱۰۲۹، مـرحوم بیـانی نسخـهٔ خطی این وقفنـامه را بـا خط احمد نیریـزی تحت شمارهٔ ۵۸۳۲ کتـابخانـهٔ آستان قـدس رضوی معـرفی کرده انـد ولی در بـررسی کـه از فهرستهـای نسخ خطی آن کتابخـانه بـه عمل آمد چنین نسخـه ای دیـده نشد؛ بـه نظر می رسد یگـانه نسخهٔ خطی وقفنامـه، نسخهٔ موجـود در موزهٔ ایران باستان باشد.



هوالواقف علی نیات العباد

بسم الله الرحمن الرحیم

مصباح صباح عبادت و مفتاح فلاح و سعادت، حمد و سپاس بی قیاس واقف سرایر و دانای ضمایر ـ تعالی شأنه و عظم سلطانه ـ تواند بود که به مفاد کریمهٔ «لقد خلقنا الانسان (۱ ـ آ) فی احسن تقویم»[۱۴] به معماری مشیّت ازلی و دستیاری قدرت لم یزلی بنیان مدرس وجودِ محمود انسان را مبتنی بر چهار ارکان و مشحون از حجرات شایان در کمال زیبایی و نهایت حکمت و شناسایی بنا نهاد و مدرّسِ عقلِ حق شناس و رئیس حسّ مشترك و طلبهٔ حواس و تـلامذهٔ قُوی و خدمهٔ اعضا را به وضع لایق و طور موافق جا به جا در آن مقامِ والا جای داده، از موقوفاتِ (۱ ـ ب) قرای اربعهٔ اخلاط بـه تولیت روح حیوانی وظایف صالحه جهت آنان مقرر نمود و کارکنان ماسکه و هاضمه و مباشران غاذیه و نامیه را جهت نظام این بنای بلند و انتظام چنین اساس ارجمند به خدمات دلپسند مأمور فرمود که انـوار وحدانیتش ظاهر و نمایان و اسرار صمدانیتش باهِر و عیان و قلوب اهل ایمان، کنزالعرفان جواهر زواهر تـدبر و تعقل و لسان شکرگوی ارباب ایقان، مفتاح الجنان عواطف (۲ ـ آ) خالقِ جزو و کل تواند گردید.

و قنادیل صلوات نـامیات سزاوار آویزهٔ روضهٔ معطر و مـرقد مُعنبر کشاف حقایق انـوار مشکوة لمعات اسـرار، شفیع هر دو سـرا، خاتم انبیـا، افضل اصفیاء الله ـ صلی الله علیـه و آله ـ توانـد بود کـه طاق مسجـد عبودیتش را به مصبـاح «انّا ارسلناك شاهدا و مبشّراً و نـذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سـراجاً منیرا»[۱۵] روشن و از جواهرخـانهٔ غیب، خاتم کرامتش را به نگین «مـا کان (۲ ـ ب) محمد ابا احـد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین»[۱۶] مزیّن گردانید.

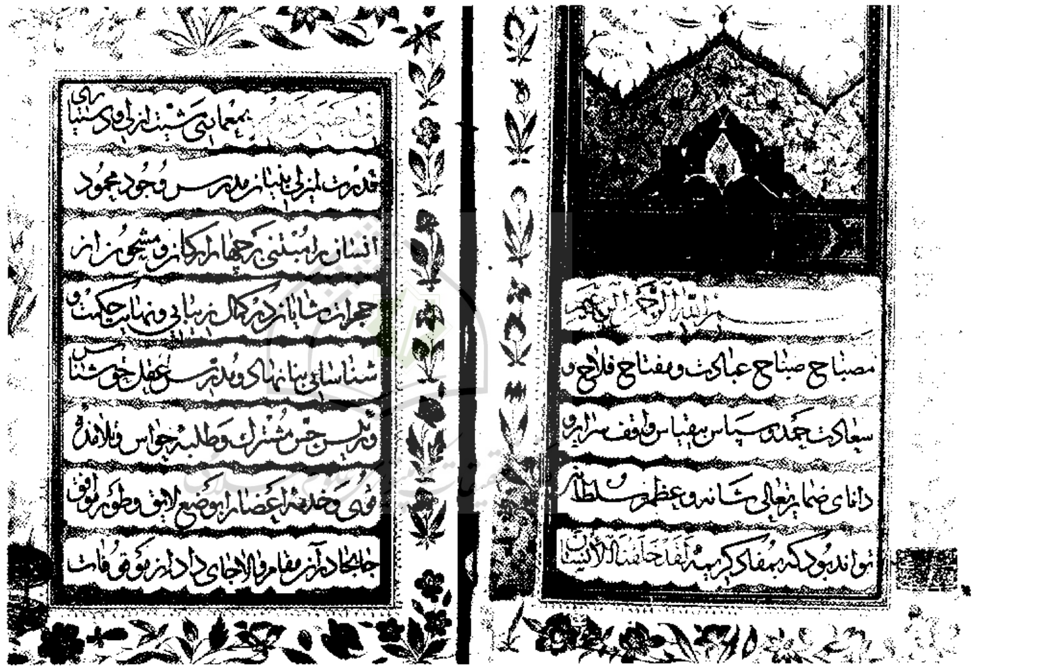
و نقود نـامعدود تحیّت و سلام شـایستهٔ نثار بارگـاه مشارقِ انوار هـدایت، ینابیعِ اسرار امـامت، بروج دوازده گانهٔ فلكِ قدرت کاملهٔ ذی الجلال، دُرر یگانهٔ بحر بی کرانِ مرحمتِ شاملهٔ ایزد متعال،مخصوصین به آیهٔ کریمـهٔ «انّما یریدالله لیذهب عنکم الـرّجس اهل البیت و یطهّرکم تطهیرا»[۱۷] منصوصین بـه حدیث صحیح «مَثَـل اهل بیتـی (۳ ـ آ) کمثل سفینـة نـوح من رکب فیهـا نجی و من تخلّف عنهـا غـرق»[۱۸] بـه نصّ سید انبیاءبرگزیدگـان خالق اکبر، ائمهٔ اثنی عشر تواند بود که حجرات قلـوب مؤمنین را مساکن طیبهٔ طلبهٔ محبت و ولای ایشان نمود و کتب خـانهٔ صدورِ پرنور آنان را وقفِ عام قـاطبهٔ انام فرمود. خصوصـاً صاحب مقام «انت منّی بمنزلة هرون من موسی»[۱۹] باب دارالعلم «انا مـدینة العلم و علی بابها»[۲۰] مظهر انوار «هل اتی»[۲۱] دانای رموز «لوکشف الغطا»[۲۲] مطلع النجـوم (۳ ـ ب) عـوارف خـالق خافقین، مجمـع البحرین سعـادات نشأتین، اسدالله الغالب و غالب کل غالب و مطلوب کل طالب، امیر المؤمنین و امام المتقین و یعَسوب الدین و قائد الغُرّ المحجّلین علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین الی یوم الدین.

اما بعد، بر واقفان مواقف دانایی و راتبه داران رتبهٔ شناسایی و بینایی که مزرع بال صفاماَل در کشتزار آمال خیر اشتمالشان از (۴ ـ آ) سرچشمهٔ فیض فضل ایزد منان و ینابیع مراحم بیکران خداوند مستعان سیراب و ریّان و منبت الوان ریاحین معارف بی پایان باشد ظاهـر و آیان و به دلایل عقلیه مبرهن و نمایان خواهد بود که در دارالسـرور چهاربـاغ دنیا و این سرور مـرور بی ثبات و وفـا که مکان وقـوف و اقامت و جـای استقرار و استراحت نیست، مستحق وظایف سعادات دو جهانی و سـزاوار سکنای حجرات (۴ ـ ب) بهشت جاودانی، آن سعادتمند صـاحب هوش و توفیق رهبرِ نصیحت نیوش است که به موجـب آیهٔ وافی هدایهٔ «لن تنـالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبون»[۲۳] نقد حیات مستعـار و طلای کامل عیار عمر عـزیز خود را بر طبق کـریمهٔ «من کان یرید حرث الاخرة نـزد له فی حرثه»[۲۴] صرف خریـداری ضیاع و عقار جهانِ با بقا و خـرجِ آبادیِ محل قرارِ آن سرا نمـوده همت بلند و نیت ارجمنـد را به مـؤدّای صدق انتمـای «ان الله یدخل (۵ ـ آ) الذین امنـوا و عملوا الصالحات جنات تجری من تحتها الانهار»[۲۵] و فحوای هدایت اقتضای «لکن الذین اتقوا ربّهم لهم غرف من فـوقها غـرف مبنیة تجـری من تحتها الانهـار وعدالله لایخلف الله المیعـاد»[۲۶] بر اعـلای بنای خـانهٔ آخـرت و تحصیل غرفـات باغ جنت مصروف دارد و مـال و منال دنیوی و ملك و مستغل مکتسبی را بـه مضمون حقیّت

۱۳ـ شایان ذکر آنکه سالها پیش از این آقای عبدالحسین سپنتا در کتاب *تاریخچهٔ اوقاف اصفهان*، رونوشت وقفنامه ای را سلطانی اصفهان» ارائه کرده اند که در حقیقت وقفنامهٔ مدرسه نبوده بلکه عبارت از عواید املاك و مستغلاتی است که وقف مدرسه شده اند و حتی در خلال وقف نامهٔ مندرج در کتاب آقای سپنتا ذکر شده که وقف نامهٔ مدرسه «نسخهٔ علی حده» است؛ و دقیقاً می توان گفت منظور از آن نسخهٔ علی حده، نسخهٔ وقفنامهٔ حاضر است. (عبدالحسین سپنتا، پیشین، ص ۱۴۴ به بعد.)

مشحون «مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبّة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله (۵ـ ب)یضاعف لمن یشاء»[۲۷] در راه خداوند ذوالجلال و سبیل رضای قادر متعال و رعایت حال مسلمین و اعانت عجزه و مساکین که موقوف علیه فوز ابدی و نجات سرمدی است وقف و صرف نماید تا جمعی کثیر از اهل ایمان الی انقراض الزمان از آثار آن خیرِ جاری بهره یاب و تهی دستان دارِ اعتبار و تنگ مایگان دِرهم و دینار از فواید و عواید آن صاحب نصیب و کامل نصاب گردند.

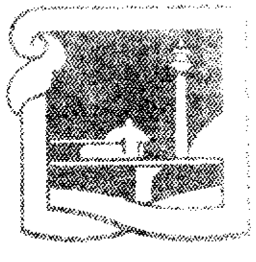
و از آنجا که احراز مثوبات «یوم تجد (۶ـ آ) کلّ نفس ما عملت من خیر محضرا»[۲۸] و رفع درجات عالیهٔ فردوسِ اعلی در روز جزا پیوسته منظورِ نظرِ انورِ مهر اثرِ خورشید ضیا و قرار دادِ خاطرِ فیض مظاهرِ معدلت آرایِ نوابِ کامیابِ فلك جناب، مقدس القاب عالم و عالمیان مآب، شاهنشاه دین پناه ظل اله المنصور المؤید من عندالله، بانی مبانی شریعت پروری، مشیّد ارکان معدلت گستری، باسطِ بساطِ عدل و داد، ماحیِ آیات جور و بیداد، بندهٔ خاکسار (۶ـ ب) آستان سید انبیا، چاکرِ دربارِ سَرورِ اولیا و اصفیا، خادم عتباتِ ائمهٔ اثنی عشر، مروّج سنن سنیّهٔ حضرت خیرالبشر ـ علیهم صلوات الله الملك الاکبر ـ واسطهٔ نظام لیالی و ایام، شیرازهٔ اوراق شهور و اعوام، گردون رفعتی که عنوان منشورِ باهرالنورِ شهریاریش به طغرایِ غرّایِ «قل اللهم مالك الملك تؤتی الملك من تشاء»[۲۹] مطرّز و موشّح است؛ آسمان شوکتی که دیباچهٔ فرمان



فرمانفرمایی و (۷ـ آ) جهانداریش به سرلوح زیبایِ «و اتیناهم ملکا عظیما»[۳۰] مزیّن و منقّش است؛ پادشاهی که در اثباتِ شرع پناهیش دادخواهی و ظلم کاهی گواهی است کافی، و بر کمال آگاهیش غوررسی و حق گزاری بیّنه ای است وافی؛ شاهنشاهی که به معماریِ پیروی اجداد طاهرین، بنای استوار دین مبین را به نحوی محفوظ دارد که از بدخواهی مخالفین تزلزل را به ارکان رصین آن راه نیست و به باغ پیرایی متابعتِ طریقهٔ معصومین (۷ـ ب) گلشنِ روی زمین را رونقی داده که به مثابهٔ فردوس برین مطرّا و مصفّا و از نقص منزّه و بری است. صاحب نسبِ بزرگوار نبوی، فایز حسب با اعتبارِ علوی، پشت و پناهِ اهل ایمان، مظهر آثار لطف و احسان، سلطان سلاطین زمان، پادشاه پادشاه نشان، السلطان بن السلطان، الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر ابوالمنصور شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان مدّالله (۸ ب) تعالی ظلال معدلته علی مفارق الأنام و جعل دولته متصلة بدولة صاحب الزمان ـ علیه الصلوة و السلم ـ است تا در عرصهٔ محشر و روز عرض اکبر در زمرهٔ «الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون»[۳۱] و فرقهٔ «اولئك یسارعون فی الخیرات و هم لها سابقون»[۳۲] منتظم و به نعیم لایزال و سلطنت ملك عدیم الانتقال نیز فایز گردند.

آن خدیو اهل جهان و شاهنشاه پیر تدبیرِ بخت جوان، سلطنت عظمی و ملکت کبری و فرمانفرمایی روی زمین (۸ـ ب) و حکمرانی بساط ارضین را که زیبندهٔ آن خسروِ عدالت آیین است، آلت تقویت اساس

۱۴ـ تین/ ۴.
۱۵ـ احزاب/ ۴۶ و ۴۵.
۱۶ـ احزاب/ ۴۰.
۱۷ـ احزاب/ ۳۳.
۱۸ـ ر. ك: *احادیث مثنوی*، بدیع الزمان فروزانفر، ص ۱۱۱.
۱۹ـ ر. ك: *الغدیر* ج ۳: ص ۱۲۵ـ۱۱۲.
۲۰ـ ر. ك: *الغدیر*، ج ۶، ص ۸۱ـ۶۱ و ج ۳: ص ۱۰۱ـ۹۵.
۲۱ـ دهر/ ۱.
۲۲ـ حدیث «لو کشف الغطاء لما ازددت یقیناً»
۲۳ـ آل عمران/ ۹۲.
۲۴ـ شوری/ ۲۰.
۲۵ـ محمد/ ۱۲.
۲۶ـ زمر/ ۲۰.
۲۷ـ البقره/ ۲۶۱.
۲۸ـ آل عمران/ ۳۰.
۲۹ـ آل عمران/ ۲۶.
۳۰ـ نساء/ ۵۴.
۳۱ـ مؤمنون/ ۱۱.
۳۲ـ مؤمنون/ ۶۱.



دین مبین و واسطهٔ استحکام بنیان شرع متین ساخته، مدام در انتشار شریعت حضرت سیدالمرسلین و اشتهار شعایـر ائمهٔ معصـومین ـ علیهم صلـوات الله الملك المعین ـ صـرف همت و بذل جهـد می فرمـایند و اعظم وسایل تحصیل این مقصد جلیل و عمدهٔ جهات تکمیل این مرام اصیل، تکثیر علمای اعلام (۹ ـ آ) و فضلای سعادت فرجام که حاملان علوم و آثار نبوی و ناقلان احادیث و اخبار مصطفوی اند و رواج شرع و علم و رفاه طالبـان و اهل آن است و تهیهٔ اسباب آن فـریق توفیق رفیق و ترتیب مـایحتاج آن جمع به رعـایت حقیق، قوی یاوری است برین امر خیریت قرین و اقوی معین. لهذا نسـایم عبهر شمایم این مقاصد خیر انجام از گلستان با طراوت صـدق (۹ـ ب) نیت آن اعلی حضرت، عطررسان مشـام مرام جهانیان و بوارق انـوار این مهام نیکو فـرجام از مهـر درخشـان صفای طـویت آن خسـرو بلند همت، ضیـا گسترِ ساحـتِ امنیت اهل ایمان گشتـه کارگـزاران آستان آسمان نشان و کـارکنان دولت ابدبنیـان را که در وقوف و امـانت به مرتبهٔ کمـال ستوده و در وثوق و دیانت به قسطاس امتحان آزموده و از نهایت اعتماد (۱۰ـآ) و اخلاص خازن اسرار سلطانی و به وفورِ متانت و اختصاص، محـرم خلوتسرای قرب خـاقانی بودند، مأمور امـر واجب الا ذعان و پذیرای فـرمان قضا جریـان به بنای مسجدی عـالی شأن و مدرسه [ای] بلنـد ارکان در جنب چهارباغ دارالسلطنـهٔ اصفهان جنت نشان ـ صانها عن طوارق الحدثان و ادام الله ظل حامیها اعظم سلاطین الزمان علی مفارق اهل الایمان ـ (۱۰ ـ ب) ساختند. و در این اوانِ میمنت اقتران که به توفیقـات سبحانی و تأییدات صَمَدانی شاهد این مأمول در آیینهٔ حصول جلوه گر گردید قربة الی الله تعالی و طلباً لمرضاته وقف صحیح لازم شرعی مؤبّد و حبس صریح جازمِ ملّی مخلّد نمودنـد همگی و تمامی زمین آن را که به حسب مساحت موازی نُـه جریب و کسری است با تمامیِ اعیـان مستحدثه در آن بـه این تفصیل که اصل گنبد و ایـوان و (۱۱ ـ آ) شبستان متصل بـه آن و ایوان جنوبی قرینهٔ آن و صفهٔ مغربی قرینهٔ در را به صیغهٔ مسجد وقف مؤبد نمودند بر کافهٔ شیعیان اثنی عشریه که در آن اماکن صدق مـواطن به اقامت صلوات و سـایر طاعات و عبـاداتِ جناب مجیب الدعوات قیـام و به نشر علوم دینیه و معارف یقینیه و مواعظ دلنشین موافقِ طرقِ ائمهٔ طاهرین ـ علیهم افضل صلوات المصلّین ـ اقدام نمایند (۱۱ــ ب) و حجره های تحتانی و فوقـانی را وقف مؤبّد نمودنـد بر طالبان علوم دینیـه که اثنی عشری المذهب و صحیح الاعتقاد باشند و به دستور معمول در آن حجره ها سکنی و به تحصیل علوم شرعیه اشتغال نمایند و عرصه های مدرسه و حوضها و چـاه و مطبخ و باقی اعیان و آلات و عماراتی که در آنجا ساخته شده هر یك را وقف مؤبّد نمودند که در مصالح طالب علمان و نمازکنندگان (۱۲ـآ) در مسجد و سایر صادرین و واردین صرف شود.

و آن خاقـانِ کسری غلام و قـاآنِ سلیمان مقام ـ لازال مـؤیدا بالنصـر و الفتح الی یوم القیام ــ تولیت مسجد و مدرسه و مایتعلق بهما را تفویض نمودند بـه نفس نفیس خود مادامت الدنیا معمورة بوجوده الاشرف الأعلی و اهل الارض مستفیضة من فیض ذاتـه المکرم المعلّی و بعد از خـود به هر کس که سلطـان (۱۲ـ ب) وقت و پادشـاه عصر باشـد و اراضی و اعیان مزبـوره را از ملکیت خود اخـراج نموده به تصـرف وقف دادند و الحال یـد آن خسروِ جم نشان و سلطانِ سـلاطین زمان ید تـولیت است و به عنوان ملکیت بـر آنها تسلطی و حقی ندارند و بـر این نهج صیغهٔ شرعیه جریـان یافت وقفاً لازماً بتاً بتـلاً صحیحاً صریحاً شرعیاً مـؤبداً مخلداً بحیث لایباع و لایوهب و لایرهن الی ان یرث (۱۳ـ آ) الارض و من علیها و الله خیر الوارثین.

و تغییر دهندهٔ وقف مزبور و تبدیل کنندهٔ شرح مسطور به سخط و غضب کردگار و لعن و نفرین رسول خدا و ائمهٔ اطهار گرفتار و در عرصهٔ محشر از شفاعت حضرت پیغمبر بی بهره و نصیب گردد. «فمن بدّله بعد ما سمعه فانّما اثمه علی الذین یبدّلونه انّ الله سمیع علیم.»[۳۳]

و اعلی حضرت واقف ـ آمنه الله تعالی فی جمیع المواقف و جعل (۱۳ــ ب) عوایده الی الأنام عایدة الیه فی یوم القیـام ـ ثواب وقف مذکور را قـربة الی الله تعالی هدیـه نمودند به ارواح مطهرهٔ حضـرات مقدسات سدره مَـرتباتِ عرش درجـات چهارده معصوم ــ صلوات الله علیهم اجمعین ــ که اول ایشان حضـرت رسالت مآب، برگزیدهٔ جناب رب الارباب، شهریار مدینهٔ طیبهٔ پیغمبری، متولی ملك هدایت و رهبری، مالك مملکت (۱۴ـ آ) «کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین»[۳۴] صاحب رتبهٔ «و ما ارسلناك الاّ رحمةً للعالمین»[۳۵] خیر البشر و شفیع یوم المحشر سید انبیاء محمد مصطفی ـ صلی الله علیه و آلـه و سلم ـ و آخر ایشان امام ثانی عشر قایم

۳۳ـ البقره/ ۱۸۱.
۳۴ـ حـدیث. ــ ر. ك المعجم *المفهـرس لالفـاظ الحـدیث النبوی*، و نسنك، ج ۴، ص ۷۳.
۳۵ـ انبیاء/ ۱۰۷.

مقام حضرت پیغمبر، جواهر ثمین امامت را خاتم، وارث انبیا از خاتم تا آدم، خازن علوم مکنونهٔ الهی دانای اسرار خلایق از ماه تا ماهی، حاکم بحق میان مردم، وجودش محقّق، اما از (۱۴ـ ب) نظرها گم، قرآن ناطق و پیشوای صادق، بقیة الله فی الارضین و خلیفته علی الخلق اجمعین صاحب الزّمان ـ علیه صلوات الله الرحیم الرحمن ـ است. و کان بتوفیق الباری ذلک الوقف و الخیر الجاری و الاتیان بالصیغة و تحقق التخلیة و تحریر تلک الوثیقة فی منتصف شهر الله الاصبّ رجب المرجّب سنة ثمان عشر و مائة بعد الالف من الهجرة المقدسة النبویة المصطفویة علی مهاجرها آلاف الصلوات (۱۵ـ آ) و السلم و التحیة.

مسجد و مدرسهٔ مزبوره را با توابع به تفصیلی که در متن قلمی شده وقف نمودم. تغییر دهندهٔ وقف مذکور به لعنت خدا و نفرین رسالت پناهی و ائمهٔ طاهرین ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ گرفتار گردد.(۱۵ ب)

[محل مهر شاه سلطان حسین صفوی]

سجلات

هو

بسم الله الرحمن الرحیم

چون به مضمون خیریت مشحون که به خط گوهرنگار و عبارات والای دربار که روشنی بخش دیدهٔ اعتقاد است، تأیید وقف مدرسه و مسجد مبارکه که باعث احیای علوم دین و انتشار احادیث جناب اقدس خاتم النبیین و امام المتقین و ائمهٔ طاهرین قرین حال (۱۶ آ) قبلهٔ صوفی زادگان که جانم فدایش باد گردیده و این صوفی زاده را به رخصت ترقیم شهادت سرافراز فرموده اند، امید که ذات اقدس که مروّج مذهب حق و باعث آرامش عالم است به عمر طبیعی در کامروایی رسیده، سایه آفتاب پایه بر مفارق عالمیان خصوص صوفی زادگان به عنایت ملك منان تابنده باد. بالنبی و آله. بندهٔ خاکسار محمد مؤمن وزیر دیوان.[۳۶] (۱۶ ب)

[محل مهر محمد مؤمن وزیر دیوان]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الواقف علی النیات المطّلع علی الخفیات الکریم الذی لایُخیّب مَن وقف علی بابه و لایجبه بالرّدّ من توجه الی جنابه و الصلوة و السلم علی من احیی ببعثته مدارس الایات الباهرة و حفظ معلام الدین بالمستحفظین من عترته الطاهرة.

اما بعد فقد شرّفنی السلطان (۱۷ آ) الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم الذی بلغ مسامع العالمین صیت احسانه و طلع فی الآفاق طوالع امتنانه ـ لازالت ریاض سلطنته مخضّرة بمیاه الخیرات الجاریة و مثمرة لما تشتهی الأنفس من فواکه التمتعات الباقیة ـ با شهاده لی علی ما زبر فی هذه الصحیفة الشریفة المنیفة و سفر فی هذه الرقیمة الوثیقة الانیقة و انا الداعی لخلود دولته القاهرة السنیة و اُبُود (۱۷ ب) سلطنته الباهرة البهیة. الفقیر الی عفو ربه الباری؛ ابن حسین جمال الدین محمد الخوانساری[۳۷] اوتیا کتابهما یمینا و حوسبا حسابا یسیرا.

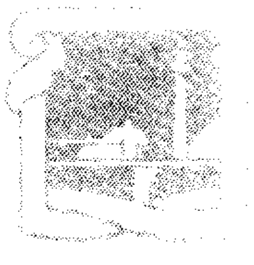
بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الذی حبس عن ادراك کنه ذاته افهام من یعقل و یعرف و منح من سلك سبیل عبودیته الامان یوم الموقف و الصلوة و السلم علی سید (۱۸ آ) الاصفیا، و خاتم الانبیاء محمد الذی بنی له بناء الکونین و دار به مدارس الدارین و علی اهل بیته المعصومین الذین وقف علیهم الوقوف علی حقایق الکتاب و فوّض الیهم تولیة امر الدین الی یوم الحساب سیّما امیرالمؤمنین الذی کان لمدینة العلم بابا و قام بوظائف الخیر و قال صوابا.

و بعد فقد اشرق من مشرق العظمة و الجلال و طلع من مطلع الدولة و الاقبال (۱۸ ب) شارق الامر المطاع اللازم الاتباع ـ جعله الله متبوعا لاولی الأمر فی جمیع الأرباع و الاصقاع ـ بایقاع الوقف و توابعه علی النحو المذکور فی الصك المسطور بوکالة اعلی حضرة الواقف سلطان السلاطین و خاقان الخواقین الذی برع فی العلی علی العالمین و رفع ذکره الی اعلی علیین ـ لازالت شموس دولته علی رؤس الأنام

۳۶. محمد مومن وزیر دیوان ملقب به اعتمادالدوله ادارهٔ امور مالی مملکت را در عهد شاه سلطان حسین به عهده داشت. وی همچنین ممیزی کل داد و ستد مربوط به مالیات و صحت عملیات کلیهٔ ارباب مناصب مملکتی را مورد مطالعه و دقت قرار می داد. (و. مینورسکی: *سازمان اداری حکومت صفوی*، ترجمهٔ مسعود رجب نیا تهران. زوار، ۱۳۳۴، ص ۸۲).

۳۷. محمد بن آقا حسین خوانساری، عالم عامل، حکیم محقق، متکلم مدقق، فقیه اصولی که به جمال الدین و جمال المحققین و محقق خوانساری موصوف و به آقا جمال، معروف و مرجع استفاده اعیان علمای عصر خود بوده و از معاصرین علامهٔ مجلسی می باشد. مصنفات بسیاری از آقا جمال وجود دارد که از آن جمله اند: *اختیارات الایام*، *اصول الدین فی الامامة*، ترجمهٔ *الفصول المختارهٔ* علم الهدی، حاشیهٔ *تهذیب الحدیث*، حاشیهٔ *شرایع*، حاشیهٔ *شرح اشارات*، حاشیهٔ *شرح لمعه*، حاشیهٔ *شرح مختصر الاصول*، حاشیهٔ *شفا*، حاشیهٔ *من لایحضره الفقیه*، شرح *غرر و درر* عبدالواحد آمدی و شرح فارسی *مفتاح الفلاح*. جمال الدین خوانساری در سال ۱۱۲۱ یا ۱۱۲۵ هـ . ق درگذشت و در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد. (محمدعلی مدرس، *ریحانة الادب*، تهران، خیام، ۱۳۶۹، ج ۱ ص ۵۴)



مشرقة منيرة و مازالت بيضاء سلطنته من وسط سماء الدوام (١٩ آ) و هى مستنيرة ـ فلما او قضى الشرف و الافتخار فى موقف الامتثال و الايتمار و اجريت الصيغة و راعيت التخلية و ساير ما يلزم رعايته فى صحة الوقف و لزومه على النهج المقرر فى الشرع الاطهر الانور. كتبتُ هذه الكلمات بامره الاشرف الاعلى ــ اعلاه الله ابداً ــ و انا الداعى لدوام دولته القاهرة العظمى و خلود ايام ملكته الباهرة الكبرى محمد باقر بن اسمعيل الحسينى (١٩ ب) الخاتون آبادى[38] المدرس فى المدرسة الجليلة السلطانية الموقوفة المزبورة، وفّقه الله على الصواب و وفّقه لحسن المآب.

[بسم الله الرحمن الرحيم]

الحمدلله الذى تقبل عبادة الواقف على صراطه المستقيم و استجاب دعاء الساجد على قواعد الشرع القويم و لم يجعل قانتا من رحمته قانطا و لا راكعا من الآئه خائبا و بنى معالم الدين (٢٠ آ) و رفع مقام العالمين و وفّقهم بمدارسة الكتاب و الاهتداء الى ما هو الصواب و تشييد العقايد على وجه اتم و تحرير الحجج الواضحة بالقلم و «علم الانسان ما لم يعلم»[39] و الصلوة و السلم على احمد الرسل و هادى السبل، المبعوث على الكل الذى جعل الله قبلته قبلة ترضى و معبده مسجدا أُسّس بنيانه على التقوى و آله الاطهار اللذين علموا احكام التنزيل و (٢٠ ب) و اسرار التأويل و حفظوا ما اتى به النبى و نزل به جبرئيل.

اما بعد فقد صرت واقفا على مدلول الصحيفة الشريفة الصحيحة الشرعية هذه و شاهدا على مفهوم النميقة الوثيقة الملية هاته و كتبتُ الشهادة بامر الاعلى المطاع النافذ فى الأرباع الصادر عن اعلى حضرة الواقف المالك للرقاب ـ ابّدالله دولته ما شرق شارق علم من مطالع الافكار (٢١ آ) و زين المعابد با لصلوات و الاذكار ــ و انا الداعى لأبود دولته القاهرة الباهرة العلية السنية و المستدعى لخلود سلطنته البهية الزكية الحسنة الحسينية محمد باقر الحسينى.[40]

[محل مهر محمد باقر الحسينى]

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمدك يا من وقفت عند وصف كما له ثواقب الأفهام و عجزت دون نعت جلاله لطائف (٢١ ب) الاوهام و نصلّى على من تمّت الصلوات بالصلوة عليه؛ النبى و آله البررة الكرام ما دامت المساجد معاكف و معابد للأنام و المدارس مواقف و موارد لاولى البصائر و الاحلام.

و بعد فقد شرّفنى قبلة السلاطين و امامهم و خير الخواقين و همامهم الذى حاز قصب السبق عن سائر ملوك البلاد باستباق الخيرات و جميع بيدر الذخر ليوم الحصاد بالتبادر الى (٢٢ آ) القربات السطان الاعظم و الخاقان الافخم و وقفنى على وقف هذه المدرسة المباركة لكسب فنون العلم و العرفان و ذا المسجد المؤسس بنيانه على التقوى و الرضوان، جامعا بهما بين العلم و العمل راجيا فيهما الفضل المرتجى و الخيل المؤمل نسأل الله الذى يربى الصدقات ان يصير سعيه المقرون بصفاء الطوية مشكوراً و يجعل له خيرا من (٢٢ ب) ذلك جنات تجرى من تحتها الانهار و يجعل لها قصورا. فصرت شاهدا على وفق ما زبر فى هذه النميقة الانيقة و سطر فى هاته الوثيقة الرشيقة و كتب الداعى لخلود دولته السنيّة القاهرة الباهرة السلطانية.[41]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله مالك الملك الواقف الذى موقوف على ايجاده وجود خزائن الجبال و ذخائر البحار و الصلوة و السلم على خاتم رسله و انبيائه الاخيار محمد الهادى لاقامة مراسم شريعته و التّفقّه فى دينه بامر سلاطين الامصار باحداث المساجد و المدارس للعباد و اولى الافكار و آله الابرار سيّما اميرالمؤمنين و امام المتقين ابى السّبطين الحسن والحسين سيّدى شباب اهل الجنة التى تجرى (٢٣ ب) تحتها الانهار وجدّ بقية الائمة الطاهرين الذين اخرهم حجة الله القآئم صاحب الزمان و قاتل الكفار صلوة دائمة بدوام الليل و النهار.

و بعد فقد امرت عن اعلى حضرة الواقف اعنى مالك رقاب الامم سلطان سلاطين الترك و العرب و العجم ـ لابرح عدله و امتنانه على مفارق الانام منشوراً و لازال تفضله و احسانه فى صفحات الايام مشهورا ـ بان اشهد (٢٤ آ) على وقوع الوقف المؤبّد على نهج...[42] [الشرع] المقدسة و اقترانه بشرائط الصحة و اللزوم المقرّرة حسبما زبر فى هذه الصحيفة و الحجة المعتبرة المباركة المنيفة و انا الداعى لدوام الدولة المويدة السلطانية ـ لازالت مويدة بالالطاف الربانية و العنايات السبحانية ـ محمد زمان الحسنى الحسينى.

حرّره العبد الاقل الداعى لابود الدولة القاهرة احمد النيريزى فى سنة ١١٢٩ (٢٤ ب)

۳۸ـ از مجتهدان برجستهٔ اواخر عهد صفوی که بنا بر گفتهٔ صاحب کتاب *وقایع السنین والاعوام*، بسیار مورد احترام شاه سلطان حسین بوده است و این آخرین پادشاه صفوی مسائل را جمعاً از وی اخذ می کرده است. میرمحمدباقر در روز جمعه دهم شهر رجب ۱۱۲۲ هـ.ق در مدرسهٔ چهارباغ به امر شاه سلطان حسین شروع به تدریس *تهذیب*، حدیث و شرح مختصر *اصول* و شرح *لمعه* نمود. (عبدالحسین خاتون آبادی، *وقایع السنین و الاعوام*، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۲، ص ۵۶۱)

۳۹ـ علق/ ۵.

۴۰ـ از رجال معروف اواخر عصر صفوی که در ابتدای حکومت شاه سلطان حسین سمت صدر خاصه (مأمور رسیدگی به امور خالصهٔ سلطنتی) را نیز به عهده داشت. (محمد ابراهیم نصیری، *دستور شهریاران*، به تصحیح و تحشیهٔ محمدنادر نصیری مقدم رسالهٔ فوق لیسانس دانشگاه تهران، ص ۹۴)

۴۱ـ در نسخهٔ اصل پاك شده است. به نظر می رسد این گواهی متعلق به میرسید مرتضی باشد که شرح حال وی در مقدمه آمده است.

۴۲ـ در نسخهٔ اصل پاك شده است.